

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ








تأییدیه اعضای هیأت داوران حاضر در جلسه دفاع از رساله دکتری

اعضای هیأت داوران نسخه نهایی رساله آقای/ خانم  
تحت عنوان:

مسعود عبدالحسین کوررد

تسمه بین جریان روشنگری بین جمهوری اسلامی ایران

را از نظر شکل (فرم) و محتوی بررسی نموده و پذیرش آن را برای دریافت درجه دکتری تخصصی (Ph.D) پیشنهاد می-کنند.

ردیف	اعضای هیأت داوران	نام و نام خانوادگی	رتبه علمی	امضا
۱	استاد راهنما	دکتر مسعود غفاری	استادیار	
۲	استاد مشاور	دکتر عباس منوچهری	دانشیار	
۳	استاد مشاور	مهندس بهمن سروکار	استادیار	
۴	نماینده تحصیلات تکمیلی	دکتر حامد آجری	استادیار	
۵	استاد ناظر (داخلی)	دکتر حامد آجری	استادیار	
۶	استاد ناظر (خارجی)	دکتر مهدی موسوی	استادیار	
۷	استاد ناظر (خارجی)	دکتر داود فرعی	دانشیار	

آیین‌نامه حق مالکیت مادی و معنوی در مورد نتایج پژوهش‌های علمی دانشگاه تربیت مدرس

مقدمه: با عنایت به سیاست‌های پژوهشی و فناوری دانشگاه در راستای تحقق عدالت و کرامت انسانها که لازمه شکوفایی علمی و فنی است و رعایت حقوق مادی و معنوی دانشگاه و پژوهشگران، لازم است اعضای هیأت علمی، دانشجویان، دانش‌آموختگان و دیگر همکاران طرح، در مورد نتایج پژوهش‌های علمی که تحت عناوین پایان‌نامه، رساله و طرح‌های تحقیقاتی با هماهنگی دانشگاه انجام شده است، موارد زیر را رعایت نمایند:

ماده ۱- حق نشر و تکثیر پایان‌نامه/ رساله و درآمدهای حاصل از آنها متعلق به دانشگاه می‌باشد ولی حقوق معنوی پدید آورندگان محفوظ خواهد بود.

ماده ۲- انتشار مقاله یا مقالات مستخرج از پایان‌نامه/ رساله به صورت چاپ در نشریات علمی و یا ارائه در مجامع علمی باید به نام دانشگاه بوده و با تایید استاد راهنمای اصلی، یکی از اساتید راهنما، مشاور و یا دانشجوی مسئول مکاتبات مقاله باشد. ولی مسئولیت علمی مقاله مستخرج از پایان‌نامه و رساله به عهده اساتید راهنما و دانشجو می‌باشد.

تبصره: در مقالاتی که پس از دانش‌آموختگی بصورت ترکیبی از اطلاعات جدید و نتایج حاصل از پایان‌نامه/ رساله نیز منتشر می‌شود نیز باید نام دانشگاه درج شود.

ماده ۳- انتشار کتاب و یا نرم افزار و یا آثار ویژه حاصل از نتایج پایان‌نامه/ رساله و تمامی طرح‌های تحقیقاتی کلیه واحدهای دانشگاه اعم از دانشکده ها، مراکز تحقیقاتی، پژوهشکده ها، پارک علم و فناوری و دیگر واحدها باید با مجوز کتبی صادره از معاونت پژوهشی دانشگاه و براساس آئین‌نامه های مصوب انجام شود.

ماده ۴- ثبت اختراع و تدوین دانش فنی و یا ارائه یافته ها در جشنواره های ملی، منطقه ای و بین‌المللی که حاصل نتایج مستخرج از پایان‌نامه/ رساله و تمامی طرح‌های تحقیقاتی دانشگاه باید با هماهنگی استاد راهنما یا مجری طرح از طریق معاونت پژوهشی دانشگاه انجام گیرد.

ماده ۵- این آیین‌نامه در ۵ ماده و یک تبصره در تاریخ ۸۷/۴/۱ در شورای پژوهشی و در تاریخ ۸۷/۴/۲۳ در هیأت رئیسه دانشگاه به تایید رسید و در جلسه مورخ ۸۷/۷/۱۵ شورای دانشگاه به تصویب رسیده و از تاریخ تصویب در شورای دانشگاه لازم‌الاجرا است.

## آیین نامه چاپ پایان نامه (رساله) های دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس

نظر به اینکه چاپ و انتشار پایان نامه (رساله) های تحصیلی دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس، مبین بخشی از فعالیتهای علمی - پژوهشی دانشگاه است بنابراین به منظور آگاهی و رعایت حقوق دانشگاه، دانش آموختگان این دانشگاه نسبت به رعایت موارد ذیل متعهد می شوند:

ماده ۱: در صورت اقدام به چاپ پایان نامه (رساله) ی خود، مراتب را قبلاً به طور کتبی به «دفتر نشر آثار علمی» دانشگاه اطلاع دهد.

ماده ۲: در صفحه سوم کتاب (پس از برگ شناسنامه) عبارت ذیل را چاپ کند:

«کتاب حاضر، حاصل رساله دکتری نگارنده در رشته علوم سیاسی است که در سال ۱۳۸۸

در دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس به راهنمایی جناب آقای دکتر مسعود غفاری

، مشاوره جناب آقای دکتر عباس منوچهری و مشاوره جناب آقای مهندس میر حسین موسوی از آن دفاع شده است.»

ماده ۳: به منظور جبران بخشی از هزینه های انتشارات دانشگاه، تعداد یک درصد شمارگان کتاب (در هر نوبت چاپ) را به «دفتر نشر آثار علمی» دانشگاه اهدا کند. دانشگاه می تواند مازاد نیاز خود را به نفع مرکز نشر در معرض فروش قرار دهد.

ماده ۴: در صورت عدم رعایت ماده ۳، ۵۰٪ بهای شمارگان چاپ شده را به عنوان خسارت به دانشگاه تربیت مدرس، تأدیه کند.

ماده ۵: دانشجو تعهد و قبول می کند در صورت خودداری از پرداخت بهای خسارت، دانشگاه می تواند خسارت مذکور را از طریق مراجع قضایی مطالبه و وصول کند؛ به علاوه به دانشگاه حق می دهد به منظور استیفای حقوق خود، از طریق دادگاه، معادل وجه مذکور در ماده ۴ را از محل توقیف کتابهای عرضه شده نگارنده برای فروش، تامین نماید.

ماده ۶: اینجانب مسعود عبدالحسین پورفرد دانشجوی رشته علوم سیاسی مقطع دکتری تعهد فوق و ضمانت اجرایی آن را قبول کرده، به آن ملتزم می شوم.

نام و نام خانوادگی:

مسعود عبدالحسین پورفرد

تاریخ و امضا:

۸۸/۱۱/۱۹

پورفرد



دانشکده علوم انسانی  
رساله دوره دکتری رشته علوم سیاسی

تعامل جریان روشنفکری دینی با جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۴-۱۳۸۴)

مسعود عبدالحسین پورفرد

استاد راهنما:

دکتر مسعود غفاری

استادان مشاور:

دکتر عباس منوچهری

مهندس میرحسین موسوی

دی ماه ۱۳۸۸

تقدیم به :

همسرگرمی سرکارخانم معصومه سانقی و فرزندانم حبیب اله، اسماء و محمد حسین پورفرد که در دوران تحصیل سختی ها ومشکلات زیادی را متحمل شدند.

## تقدیر و تشکر :

تکوین این رساله حاصل راهنمایی و مساعدت اساتید ارجمندی است که در اینجا مراتب تقدیر و تشکر خود را از آنان اعلام می نمایم :

از استاد محترم راهنما جناب آقای دکتر مسعود غفاری به خاطر زحمات زیاد، صرف وقت، دقت نظر، گره گشایی و راهنمایی مداوم و ارزشمندشان در تدوین این رساله از زمان تصویب موضوع در گروه تا اتمام کار و نیز به خاطر دلسوزی، خیرخواهی و رهنمون های مشفقانه و اخلاقی شان، علیرغم گرفتاری در معالجه پزشکی از کمک های علمی هرگز کوتاهی نکردند، صمیمانه تشکر می نمایم.

از استاد محترم مشاور جناب آقای دکتر منوچهری که در بدو کار و به هنگام انتخاب موضوع و نیز در استدامه کار و به هنگام پردازش آن چه به لحاظ روش شناسی تحقیق، تفکیک و دسته بندی موضوعات آن و چه به لحاظ محتوا و توجه به جوانب موضوعات مورد بحث، نکات مفید و ارزشمندی در بهبود کیفیت رساله یادآور شده است، بسیار سپاسگزارم.

همچنین، از دیگر استاد مشاور جناب آقای مهندس میر حسین موسوی به سبب توصیه ارزنده و آموزنده در تدقیق و تعمیق مباحث و طرح نکات سودمند در تمامی زمینه های تدوین رساله تشکر می نمایم.

## چکیده

در پاسخ به این پرسش که چرا روشنفکری دینی ارگانیک پس از مدتی در جمهوری اسلامی ایران تبدیل به غیرارگانیک شد. این رساله می‌کوشد با استفاده از متدولوژی اسکینر و چارچوب نظری بازخود اندیشی تعامل بین روشنفکری دینی و جمهوری اسلامی ایران را مورد مطالعه قرار دهد.

ابتدا مفهوم روشنفکری از ایده‌های گرامشی اقتباس شده و سپس مفهوم مورد نظر از روشنفکری دینی نیز به همین شکل بسط داده شده است. آنگاه به طور گزینشی دو روشنفکر دینی یعنی عبدالکریم سروش و مصطفی ملکیان انتخاب شده‌اند. این انتخاب به دلیل این بوده است که این دو روشنفکر دینی نسبت به سایر گفتمان‌های روشنفکری دینی بیشترین تعامل را با جمهوری اسلامی ایران و نیز در نظریه پردازی قوی‌تر از دیگران و همچنین ماهیت اجتماعی گفتمان آنان با اهمیت‌تر بوده است.

این گفتمان در دهه شصت تعامل خوبی با جمهوری اسلامی ایران داشته و از این رو آنان را روشنفکران ارگانیک نامیده‌ایم. اما بعد از مدتی به علت خلاء تئوریک ایجاد شده آنهم به دلیل فقدان وجود شهید مطهری و بهشتی و نیز رحلت امام خمینی (ره) در خط مشی جدید جمهوری اسلامی ایران تغییراتی به وجود آمد که در مقابل جریان‌ات روشنفکری منتقد قرار گرفت.

در این مقطع گفتمان روشنفکری دینی منتقد اقدام به نقد فرهنگی از جمهوری اسلامی کردند که در نتیجه پاسخ جمهوری اسلامی ایران سیاسی و فیزیکی بود. این رفتار سیاسی از سوی جمهوری اسلامی ایران سبب شد به جای تعامل با یکدیگر در تقابل قرارگیرند و در نهایت روشنفکری دینی به روشنفکری غیرارگانیک تبدیل شد و سپس به تدریج همکاری‌ها و حمایت‌های خود را از جمهوری اسلامی ایران قطع کردند.

**کلید واژه‌ها:** روشنفکری دینی ارگانیک، روشنفکری دینی غیر

**ارگانیک، جمهوری اسلامی ایران**



## فهرست مطالب

صفحه

عنوان

۱	<b>فصل اول: مقدمه و کلیات طرح تحقیق</b>
۲	مقدمه
۳	۱-۱- بیان مسأله
۸	۲-۱- ضرورت تحقیق:
۸	۳-۱- هدف تحقیق:
۸	۴-۱- سوالات اصلی و فرعی
۹	۵-۱- فرضیه پژوهش
۹	۶-۱- مفاهیم و واژگان پژوهش:
۱۰	۷-۱- پیشینه تحقیق
۱۵	۸-۱- مشکلات و موانع تحقیق
۱۶	۹-۱- سازماندهی پژوهش
۱۷	<b>فصل دوم: مفاهیم و تمهیدات نظری</b>
۱۸	مقدمه:
۱۸	۱-۲- بررسی مفهوم روشنفکری و روشنفکری دینی
۳۶	۲-۲- منظور ما از روشنفکری و روشنفکری دینی
۳۹	۳-۲- شاخص‌های روشنفکری دینی
۴۴	۴-۲- جمع بندی:
۴۵	۵-۲- چارچوب نظری تحقیق
۴۸	۶-۲- سطح تحلیل درالگوی بازخوداندیشی
۵۲	۷-۲- روش شناسی تحقیق:
۵۷	۸-۲- انواع افعال گفتاری
۵۸	۱-۸-۲- قواعد
۶۰	۲-۸-۲- معنا
۶۱	۳-۸-۲- واقعیت‌های نهادی
۶۳	۹-۲- روش شناسی اسکینر و آثار وی

۶۸	۱۰-۲-مسأله اسکینر و پاسخ های دو متدلوزی رایج.....
۶۹	۱۱-۲-کنکاشی در نقد اسکینر بر متدلوزی قرائت زمینه ای.....
۷۳	نتیجه گیری :.....
<b>۷۵</b>	<b>فصل سوم: گفتمان های روشنفکری دینی و حاکمیت در ج.ا.ا.....</b>
۷۶	مقدمه:.....
۷۸	۱-۳-حاکمیت و نهادهای انتخابی و انتصابی.....
۸۲	۲-۳-نهادهای انتصابی و الگوی اصولگرایان.....
۸۴	۳-۳-نهادهای انتخابی.....
۸۸	۳-۳-۱-دولت رفاهی - اقتصادی «هاشمی رفسنجانی».....
۹۱	۳-۳-۲-دولت رفاهی - فرهنگی سیاسی خاتمی:.....
۹۴	۳-۴-روشن فکری دینی متجزی (ارگانیک و غیر ارگانیک).....
۹۶	۳-۴-۱-روشنفکری دینی متجزی.....
۱۰۱	۳-۴-۲-روشنفکری دینی متجزی غیر ارگانیک.....
۱۱۱	۳-۵-جریانات روشنفکری دینی متجدد.....
۱۱۱	۳-۵-۱-گروه فلسفه تحلیلی.....
۱۱۱	۳-۵-۲-گروه ملی - مذهبی ها.....
۱۲۸	نتیجه گیری:.....
<b>۱۳۰</b>	<b>فصل چهارم: تعامل روشنفکری دینی (عبدالکریم سروش) با حاکمیت در جمهوری اسلامی ایران.....</b>
۱۳۱	مقدمه:.....
۱۳۴	۴-۱-زندگی نامه سروش:.....
۱۳۸	۴-۲-اقدامات و رفتارهای فرهنگی سروش در دهه شصت (دوره باز خوداندیشی سروش).....
۱۴۶	۴-۳-سروش روشنفکر ارگانیک.....
۱۵۱	۴-۳-۱-واکنش ها در مقابل سروش در دهه شصت.....
۱۵۴	۴-۳-۲-تحلیل:.....
۱۵۶	۴-۴-دهه هفتاد سروش روشنفکر غیر ارگانیک.....
۱۶۲	۴-۴-۱-واکنش ها در مقابل سروش در دهه هفتاد.....
۱۶۷	۴-۴-۲-تحلیل:.....
۱۷۰	نتیجه گیری:.....

## فصل پنجم: تعامل روشنفکری دینی (مصطفی ملکیان) با حاکمیت در جمهوری اسلامی ایران ..... ۱۷۱

مقدمه: .....	۱۷۲
۱-۵- زندگی و رفتار فرهنگی .....	۱۷۴
۲-۵- ملکیان در دهه شصت (دوره باز خود اندیشی ملکیان) .....	۱۸۲
۱-۲-۵- تحلیل: .....	۱۸۲
۳-۵- ملکیان در دهه هفتاد و هشتاد (دوره باز خود اندیشی انتقادی و تفسیر جدید) .....	۱۸۳
۱-۳-۵- تحلیل: .....	۱۹۱
۲-۳-۵- ملکیان در مرحله سوم (باز خود اندیشی انتقادی) .....	۱۹۳
۳-۳-۵- تحلیل: .....	۱۹۵
۴-۵- مرحله چهارم ملکیان: (تفسیر جدید و بازسازی) .....	۱۹۷
۱-۴-۵- عقلانیت و معنویت: .....	۱۹۷
۲-۴-۵- مؤلفه‌های مدرنیته از منظر ملکیان .....	۱۹۸
۳-۴-۵- التزام به عقلانیت و فهمی نو از دین راه حل پیش روی انسان مدرن: .....	۲۰۲
۴-۴-۵- تحلیل: .....	۲۰۴
۵-۵- واکنش های ساختار قدرت سیاسی .....	۲۰۷
نتیجه گیری: .....	۲۱۱
استنتاجات نهایی: .....	۲۱۲
منابع و مآخذ .....	۲۲۲
منابع کتاب های فارسی: .....	۲۲۳
فهرست مطبوعات و رسانه ها: .....	۲۲۹
فهرست منابع لاتین: .....	۲۳۲
چکیده انگلیسی: .....	۲۳۴

## فصل اول: مقدمه و کلیات طرح تحقیق

## مقدمه

در این پژوهش این مسئله طرح شده است که چرا روشنفکری دینی ارگانیک پس از مدتی در جمهوری اسلامی ایران به غیرارگانیک تبدیل شد. در این میان در مورد جمهوری اسلامی این پاسخ مطرح است که چه اتفاقی در سطح حاکمیت رخ داده است که گفت و گو با روشنفکری به بن بست رسیده و حاکمیت از طرق دیگر در صدد واکنش به روشنفکری دینی است. و در مورد گفت‌مان روشنفکری دینی نیز این پرسش مطرح شده است که چرا روشنفکری دینی از طریق نقد فرهنگی - اجتماعی حاکمیت جمهوری اسلامی ایران را مورد نقادی قرار داده است. در این میان ابزار مورد نیاز طراحی، خود مفهوم روشنفکری و روشنفکری دینی است که رساله مبتنی بر ایده های گرامشی در بحث روشنفکری است که مفهوم آن را وسیع در نظر می گیرد اما از طریق کارکردهای اصلی مصادیق آن را قابل تفکیک و شناسایی قرار می دهد. در این رساله صرفاً به هرکسی که به کار فکری و تبیین رابطه دین و دنیای معاصر اشتغال دارد نمی توان یک روشنفکر دینی گفت اگر علاوه بر مطالب فوق دو کارکرد مهم روشنفکری یعنی رویکرد عقلانی - انتقادی و کارکرد دیگرش یعنی بسط و گسترش دیسکورس های خود و ارتباط برقرار کردن با سایر دیسکورس ها را مد نظر بگیریم و نیز اگر دیسکورس ها را زمانی که ماهیت اجتماعی بیابند، کارکرد روشنفکری دینی بدانیم، آنگاه یافتن مصادیق روشنفکری آسان تر خواهد شد. سپس در این طرح در بحث گفت‌مان روشنفکری دینی گفت‌مان مسلط را از میان جریانات روشنفکری دینی برگزیده ایم. در این میان سروش و ملکیان انتخاب شده اند. زیرا بیشترین تعامل را با حاکمیت جمهوری اسلامی ایران داشته اند و نیز به دلیل داشتن کارکردی با ماهیت اجتماعی می باشند و همچنین در نظریه پردازی نسبت به سایرین قوی تر بوده اند. در این طرح سروش به عنوان مورد اصلی تحقیق و ملکیان به عنوان شاهد دوم و نیز فردی که در میان طبقه متوسط حوزه نفوذ داشته و به تعبیر دیگر از جنس خود جمهوری اسلامی بوده مورد توجه قرار گرفته است. همچنین در این طرح به مشکلات و موانع پیش راه و سازماندهی پروژه اشاره شده است.

## ۱-۱- بیان مسأله

واژه گان روشنفکری در ایران از زمان قاجار به طور عام همچون کلمات منورالعقول، منورالفکر و در دوره مشروطه به طور خاص وارد گفتمان ادبیاتی فارسی شد، در دوره مشروطه، ابتدا میرزا آقاخان کرمانی واژه «منورالعقول» را وارد ادبیات روشنفکری در ایران کرد و آن را برای افرادی بکار برد که متأثر از نهضت روشنفکری و عصر خردگرایی در فرانسه قرن نوزدهم<sup>۱</sup> و طرفداری از

۱- در مورد روشنفکری در غرب با توجه به تحولات انقلاب فرانسه از قرن هیجدهم تا پایان قرن بیستم و پیامدهای بعدی آن باید اعتراف کرد کانون جریانات روشنفکری در جهان در این سرزمین بوده است. و اغلب کشورها متأثر از پروژه روشنفکری در فرانسه بوده اند. نمونه ها و مقایسه های مختلف در قرن هیجدهم که حکایت از نقش فرانسه در موضوع روشنفکری دارد را می توان در سه کشور فرانسه، انگلیس و آلمان مشاهده کرد. انگلیس درگیر مسائل معماری و بسط گسترش حوزه نفوذ خود بود و پیامد این رویکرد رسیدن به سرمایه داری مبتنی بر تجارت آزاد شد. آلمان چون هنوز به وحدت سیاسی نرسیده بود، لذا اوضاع روشنفکری آن حاصل برخی تاملات فلسفی پراکنده نامنسجم می نمود. در واقع آلمان غرق در فضای فلسفه ایده ایستی بود. و روشنفکری در فرانسه به دلیل تلاطمات اجتماعی بسیار فعال و تاثیر گذار بود. علت تاثیر گذاری این بود که اولاً در زمینه اجتماعی به میزانی از همبستگی رسیده و در زمینه روشنفکری هم از اجماع نسبی برخوردار بودند که همین خود باعث تقویت مبانی همبستگی در آن سرزمین بود. در چنین فضایی تعارض های روشنفکری به جای اینکه سبب زوال و اضمحلال بنیادهای سیاسی اجتماعی فرانسه شود به تقویت مکانیسم و پویایی اندیشه ها منجر شد. (احمد نقیب زاده، سیاست و حکومت در اروپا، تهران: سمت، ۱۳۸۵، صص ۲۰۵-۸۹) این رویکرد اجتماعی روشنفکران فرانسوی در پروسه ای، خصلت ضد بورژوازی به خود گرفت و علائق چپ در میان روشنفکران فرانسوی رشد کرد که باید گفت این گرایش ناشی از بروز انقلاب صنعتی در فرانسه بود که در مقایسه با انگلیس با تاخیر شروع شد. البته آغاز انقلاب صنعتی در فرانسه به بعد از سال ۱۸۳۰ مربوط می شود از همین زمان هاست که جنبش سوسیالیستی در قالب یک جریان روشنفکری شکل می گیرد. به طور خلاصه می توان گفت در میان این تحولات روشنفکران کلاسیک چون ولتر، مونتسکیو و روسو پا به عرصه حیات می گذارند و به سوسیالیسم قرن نوزده و امثال سن سیمون و پرودون می رسد. بعد از آن نوبت روشنفکران عمل گرایی است که در چارچوب قواعد دموکراسی و از طریق احزاب فعالیت می کند. پس از جنگ دوم تا دهه شصت سارتر اهمیت فوق العاده می یابد او بیش از دو دهه (۶۰-۵۰) بر تمام جریانات روشنفکری سایه انداخته بود به گونه ای که حضور سارتر و آگزیستانسیالیسم او مانع بروز دیگر تفکرات بود و سپس با گذشت دو دهه صحنه روشنفکری برای ساختگرایان آماده شد. ساختگرایان تاکید بیش از حد مدرنیته بر سوژه یا خود اندیشنده را مورد انتقاد قرار دادند. در مجموع اندیشه این نحله به جای تاکید بر ذهن عمدتاً به نظام نشانه های آنها توجه کرد و پدیده های اجتماعی و فردی را در چارچوب سازمان های زبانی تحلیل نمودند به همین دلیل بود که آنان مرگ سوژه را شعار اساسی خود قرار دادند. اما وضعیت بدین منوال باقی نماند و از سوی اندیشمندانی همچون فوکو، دریدا، لیوتار و رولان بارت ساختارگرایی نیز مورد نقد قرار گرفت. پس ساختگرایان به جای در افتادن در دام تقابل های دو تایی به عنصر دلالت کننده توجه کردند به این معنی که اهمیت و پویایی زبان در سیلان و نا پایداری معناها قابل جستجو است. به نظر آنان قدرت است که زبان را در اختیار می گیرد و آن را در جهت بسط خود و دانش بکار می برد، در حقیقت روشنفکر در شبکه زبان و قدرت و دانش خود، هم فاعل و هم موضوع و ابزار قدرت است. به نظرمی رسد پروژه روشنفکری در غرب بر اساس نیازها جامعه و در یک فرایند علمی،

قانون و تجدد می کردند.<sup>۱</sup> پس از مدتی اصطلاح منورالعقول به منورالفکر تبدیل می گردد، منورالفکران افرادی بودند که تجددخواه و طرفدار سرنگونی استبداد سیاسی و استقرار حکومت قانون بودند، سرانجام در دوره پهلوی اصطلاح منورالفکران به روشنفکر تبدیل گردید و در دوره جمهوری اسلامی واژه روشنفکری دینی در ادبیات انقلاب اسلامی رواج یافت. بررسی رفتار این گروه در دوره جمهوری اسلامی، به ویژه در تعامل با قدرت نو ظهور می تواند راه گشای تحلیل، بخشی از مسائل تحولات سیاسیاجتماعی ایران باشد. به طور کلی در بررسی پروژه وضعیت روشنفکری ایران در مقابل قدرت در مقایسه با غرب<sup>۲</sup> باید گفت هر چند پروژه روشنفکری در غرب

---

پروژه تکاملی خود را طی کرده است. و از قابلیت و ظرفیت های مشخص برخوردار است اما تعمیم این فرایند و رویه ها به جغرافیای متفاوت روشنفکران بسیار سخت و دشوار است

۱- عبدالهادی حائری، *نخستین رویاروییهای اندیشه گران ایران با دو رویه تمدن بورژوازی غرب*، تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۸، ص ۲۸۰.  
۲- شاید بتوان گفت در غرب پس از عصر دکارت است که پرچم نقادی جدی جامعه به عنوان تعهد اخلاقی اساس کار روشنفکران، به اهتزاز درآمد. در این بین شاید کسی بهتر از کانت چنین نقش مهمی را ایفا نکرده، کانت در سال ۱۷۸۴ در پاسخ به این پرسش مهم که روشنگری چیست؟ گفته بود، روشنگری عبارت است از بیرون آمدن انسان از حالت کودکی، در واقع رهایی از عقده حقارت، حقارتی که در انسان است و منشا آن هم در وجود خود اوست، (کانت، *مندلسزون و...*، روشنگری چیست؟ نظریه ها و تعریف ها، ترجمه، سیروس آیین پور، تهران: آگه، ۱۳۷۷، صص ۱۷-۲۷). چراکه پرسش انتقادی نمی کند در واقع همین شیوه و شکل از نقادی وارد حوزه روشنفکری بعدی توسط اندیشمندان فرانسوی چون ولتر، دیدرو و دالامبر شد. که در پی آن بودند که با انتشار دانشنامه بزرگ، راه اندیشیدن را باز کنند و انحصار دانش را از دست طبقات خاص بیورند. در حقیقت از همین دوره است که بحث در باره روشنفکران و صاحبان قدرت رونق می گیرد. بطور کلی در رابطه با روشنفکری غربی و مسئله قدرت ها، همواره نشان از تعاملی آشکار و نهادینه شدن را می توان یافت.

دو نحله عمده روشنفکری غرب یعنی روشنفکران انگلوساکسون - امریکایی و روشنفکران اروپایی، دوکنش شناخته شده در رابطه با قدرت های خود اختیار کرده اند. روشنفکران انگلوساکسون - امریکایی در خدمت قدرت، مشاوران و کارگزاران دولت بوده اند. مانند، فوکویاما و هانتینگتون اما روشنفکران اروپایی غالباً نقش انتقادی نسبت به قدرت داشته اند که می توان از روشنفکر اروپایی سارتر، هورکهایمر، هابرماس و فوکو را نام برد. در خصوص روابط روشنفکران و قدرت از جمله معروفترین ساختارگرایان التوسر که در صدد باز اندیشی مفاهیم اساسی این نحله فکری نیز بر آمد با مقاله "ایدئولوژی و دستگاه های ایدئولوژی" در سال ۱۹۷۰ ادعی کرد همه افرادی که خود را روشنفکر می دانند به نوعی از پیش جزو عوامل ساختاری و ایدئولوژیک هستند. (حسین بشیریه، تاریخ اندیشه های سیاسی در قرن بیستم، تهران: نشرنی، ۱۳۷۸، صص ۳۱۳-۳۱۰). به تعبیر دیگر ایدئولوژی ضمن تخریب روابط و مناسبات تولیدی موجود، گونه ای آرایش راعرضه میکند که مردم به توانند با آن ارتباط برقرار کنند، ایدئولوژی به قوام بخشی ذهنیت آدمیان می پردازد آنان را که با آن موافق اند، تمجید می کند و آنانی که از آن فاصله می گیرند نکوهش می کند و بر آدمیان هویت می بخشد، التوسر می خواهد بگوید که من و شما هر کدام در زمره این سوژه ها هستیم و در معرض خطاب ایدئولوژی قرار داریم در اینجا نقش روشنفکران به عنوان سوژه هایی که در تداوم و تثبیت این دستگاه ایدئولوژی موثر هستند، قابل انکار نیست. و از سوی دیگر فوکو در نحله فراساختارگرایی، قدرت را عامل اصلی در زمانه حاضر می داند هر چند که قدرت مفهومی بس پویا و سیال است. اما او می گوید هیچ کس حقیقتاً قدرت را به طور انحصاری در اختیار ندارد. (محمد ضمیران، میشل فوکو: دانش و قدرت، تهران: هرمس، ۱۳۸۱، ص ۱۵۶). به تعبیر دیگر امروزه فهم اینکه قدرت در دست چه کسی است، بسیار سخت و دشوار می نماید، اما فهم اینکه چه کسی مقهور و مفعول قدرت شده و قدرت ندارد، بسیار سهل و آسان

در دو زمینه تولید اندیشه های سیاسی و رهبری جنبش های اجتماعی و سیاسی نقش مهمی ایفا کرده است، اما سهم روشنفکران ایرانی در موضوع اول بسیار ناچیز بوده و در دوره مشروطه تا حدودی تاثیر گذار بوده است. با این حال پروژه روشنفکری در ایران با غرب متفاوت می باشد. شاید دلایل و شواهد زیر تا حدودی قانع کننده باشند.

اول اینکه بین شرایط اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جوامع تفاوت وجود دارد. برخی از جوامع از توسعه سیاسی پایدار، سطح سواد و آموزش پیشرفته و فرهنگ مشارکتی و اوآنگارد و برخی جوامع از این امور بی بهره اند. بنابراین وضعیت روشنفکران این جوامع نیز متفاوت هستند.

دوم اینکه روشنفکران در بیشتر کشورها یکی از نااهمگون ترین و نامنسجم ترین گروه های نخبه بوده و عقاید بسیار گوناگون از خود در مسائل اقتصادی، سیاسی و اجتماعی نشان داده اند.

سوم اینکه ویژگی های شخصیتی و هویتی روشنفکران در جوامع مختلف با هم متفاوتند. برخی شخصیت ها روماتیک و برخی عقلانی و برخی روحیه منفعلانه دارند. با ذکر این اوصاف به نظر می رسد. وضعیت پروژه روشنفکری در ایران نیز متفاوت با سایر روشنفکران می باشد. علی رغم اینکه تاثیر پذیری از همدیگر غیر قابل انکار می باشد. به هر حال مسله مهم، رابطه روشنفکران ایرانی با قدرت است که می توان آن را چنین توصیف کرد. در رابطه روشنفکران ایرانی و مسله قدرت، برخلاف غرب، در ایران همواره نشان از تشتتی آشکار و فقدان نهادمندی و نهاد پذیری وجود دارد. قدرت ها در تاریخ ایران در رابطه با روشنفکران معمولاً دو رویکرد تطمیع و تهدید را پیشه کار خود کرده اند و تلاش در جذب و به خدمت گرفتن روشنفکران را در دستور کار خود قرار می

---

است. بنابر این با رویکرد فوکو و وظیفه روشنفکران در این زمان فهم و تحلیل همین شبکه های قدرت و جایگاه آنها در حوزه های بومی و محلی است. از جمله افراد دیگر، الوین گولدرن جامعه شناس امریکایی نیز همین نگاه را دارد و این همان چیزی است که گرامشی هم تحت عنوان روشنفکران گانیک از آن بحث می کند. می گوید روشنفکران در پیوندی مستقیم با طبقه تشکیلاتی خاص قرار دارند و در جهت سازماندهی و کسب قدرت از آنها استفاده می شود. (فرزین وحدت، رویارویی فکری ایران با مدرنیت، ترجمه مهدی حقیقت خواه، تهران: ققنوس، ۱۳۸۲، ص ۱۸۲). و نیز ژاک دریدا در مهمترین کتاب خود "شیخ مارکس" ضمن اعلام پایان یافتن دوران کمونیست و پیدایش فضای جدید تکنولوژیک اظهار می دارد که دیگر پیروی از راه سارتر، راسل و البرکامو تمام شده است و به طور کلی ظهور و انتشار اطلاعات و ارتباطات جدید، مسئولیت های تازه ای در برابر روشنفکران قرار داده است و لذا باید در پی نقد خود کامگی های قدرت های یک تاز برآیند و چون چشم و زبان طبقات محروم عمل کنند. (محمد ضمیران، ژاک دریدا و متافیزیک حضور، تهران: ۱۳۷۹، ص ۲۴۱). بهر حال بدیهی است، اکنون چه در امریکا و چه در اروپا روشنفکر چهره ای متشکل و مشخص ندارد یعنی دیگر نباید او را چون سارتر، البرکامو، ریمون ارون یا برتراند راسل چهره ای اسطوره ای دانست، بلکه موجودی است که جنبه حرفه ای آن بر جنبه اجتماعی اش می چرخد شاید به توان این حرفه گرایی را به قول ادوارد سعید جنبه خطرناک و انحرافی زندگی روشنفکر امروزی به شمار آورد. (ادوارد سعید، نشانه های روشنفکری، ترجمه، محمد افتخاری، تهران: آگه، ۱۳۸۱، صص ۹۹-۱۰۰).



دادند و در صورت محقق نشدن رویکرد اول، طرد، نفی و در حاشیه نشینی روشنفکران حتمی بود.

از طرفی روشنفکران نیز در رابطه با قدرت، دوخط مشی رادر دستور کار خود قرار دادند. نخست سعی در تاثیر گذاشتن بر آن در سطح سیاست گذاری کلان به واسطه نفوذ در دولت را مد نظر داشته اند. روشنفکرانی مانند تقی زاده و محمدعلی فروغی را می توان در این گروه نام برد.<sup>۱</sup> و گروه دوم با موضع گیری در مقابل قدرتها و ظاهر شدن در نقش منتقد از طریق مطبوعات، سخنرانی ها، احزاب سیاسی و اتحادیه ها قد علم کرده اند. که می توان از روشنفکران ایرانی با افرادی شاخص همچون جلال آل احمد و دکتر شریعتی که تحت تاثیر ایدئولوژی چپ بودند، نام برد<sup>۲</sup> که بخش وسیعی از آثار و تفکر آن ها با سویی ی احیاء سنت های دینی و نوسازی آن ها، غرب ستیزی و نیز بومی گرایی شناخته شده است.

دوره ی ابتدایی استقرار انقلاب اسلامی تحت تاثیر همین روشنفکران یعنی آل احمد، شریعتی واقع می شود و با شروع جنگ تحمیلی پروژه روشنفکری دوره فترت خود را آغاز می نماید. اما بعد از جنگ تحمیلی در عرصه تحولات سیاسی اجتماعی و گسترش جامعه مدنی و امکان استفاده از تجربه روشنفکران قبلی و حتی نقد آنان به تدریج در تعامل با قدرت صف آرایی کرده و هرازگاهی رقیبان دیرینه خود یعنی روحانیون که اینک بر مسند قدرت نشسته اند رابه چالش های فرهنگی و سیاسی دعوت می نمایند. طرح پرسش های جدید فرهنگی از منظر تجدد، بخش های سنتی فرهنگ را که اینک بر مسند قدرت نیز نشسته اند را به پاسخ گویی و می دارد و آنان چاره ای ندارند که روابط و مناسبات خود با قسمت های فرهنگ و گروه های مرجع جدید که اغلب نو ظهورند را تعیین تکلیف نمایند.

بعد از شکل گیری اولیه انقلاب، روشنفکران دینی به عنوان یک "بخش تاثیرگذار" مانند مرحوم بازرگان و سایر همفکران او با شناسه ای تحت عنوان روشنفکران ملی - مذهبی جز اولین گروهی بودند که گوی سبقت در همکاری با نظام جمهوری اسلامی را نسبت به سایر روشنفکران ربودند و نیز با سرعت فزاینده ای در زمانی کوتاه از عمر انقلاب، همکاری خود را قطع کردند، اما این روند و رویه متوقف نشد تا اینکه گفتمان های مسلط و خرده گفتمان های روشنفکران دینی از جریانات متفاوت مانند معرفت اندیشان، معنویت گرایان و حتی خرده گفتمان روشنفکران دینی عمل گرا مانند کارگزاران و روشنفکران دینی که در ابتدا ایدئولوژیک می اندیشیدند (سازمان مجاهدین انقلاب

۱- تقی ازاد ارملی، *مدرنیته ایرانی*، تهران: نشر اجتماع، ۱۳۸۰، ص ۲۱۸.

۲- علی قیصری، *روشنفکران ایران در قرن بیستم*، ترجمه محمد دهقانی، تهران: هرمس، ۱۳۸۳، ص ۱۴۶.

اسلامی) و اغلب با نظام همکاری می نمودند و نیز روشنفکران طرفدار بازسازی ایده شریعتی به تدریج در همکاری از خود تردید نشان دادند. البته روشنفکران دینی که در سال ۱۳۷۶ از دوم خرداد ارگانیک<sup>۱</sup> شدند نیز بتدریج اگر نگوئیم همه آنان ولی می شود گفت اکثریت آنان بعد از دوره خاتمی حالت ارگانیک خود را از دست داده اند. شایان ذکر است ارگانیک بودن یا ارگانیک نبودن به منزله یک حسن یا امتیاز تلقی نمی شود بلکه پای بندی به ارمان های انقلاب و نیز هنجارهای تبدیل شده به قواعد و منابع در قانون اساسی جمهوری اسلامی ملاک می باشد. این مجموعه بتدریج از زمینه های ساخت قدرت فاصله گرفتند و حالت ارگانیک (سازمانی) آنان به غیر ارگانیک (غیرسازمانی) تبدیل شد و به مرور مباحث معرفت شناسانه ای دامن زده شد که در نهایت هنجارهای مرسوم و پایه ای جمهوری اسلامی را مورد نقد و حتی گذشته روشنفکری خویش را مورد نقادی و بررسی قرار دادند. با این همه مروری بر ادبیات موجود نشان می دهد که داوری های واقع بینانه و جامعی از مسائل و جریانات روشنفکری دینی در تعامل با قدرت وجود ندارد و حتی در تعریف روشنفکری دینی اختلاف نظر وجود داشته و برخی مخالفین تا آنجا پیش رفته اند که مفهوم روشنفکری دینی را پارادوکسیکال تلقی کرده اند. که در این پژوهش به نظر آنان اشاره خواهد شد و نیز منظور از جمهوری اسلامی ایران در این تحقیق ساخت قدرت سیاسی و حاکمیت می باشد. با توجه به مطالب فوق مطالعه تعامل جریان روشنفکری دینی با نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران نیاز مبرم به شناسایی، علت کاوی و صورت بندی روشنفکری دینی و ساخت قدرت سیاسی در جمهوری اسلامی دارد. در این تحقیق جریان روشنفکری دینی به دو صورت کلی ارگانیک و غیر ارگانیک در رابطه با نظام سیاسی تقسیم می شوند و از این رو این رساله می کوشد تا با توصیف و تبیین رابطه تعاملی روشنفکر دینی و قدرت سیاسی جمهوری اسلامی به بررسی چرایی و چگونگی ظرفیت ها، امکانات، دغدغه ها و بن بست های احتمالی روشنفکران دینی با نظام سیاسی جمهوری اسلامی بپردازد. این پژوهش به لحاظ زمانی به سال های ۱۳۸۴ - ۱۳۶۷ می پردازد.

---

۱- این واژه از گرامشی اقتباس شده است که شامل اصطلاحی می شود که روشنفکر حامی نظام سیاسی خود یا طبقه تشکیل دهنده دولت می باشد.

## ۱-۲- ضرورت تحقیق:

تاثیرگذاری روشنفکری بر ساخت قدرت و بالعکس و کاربردی بودن نقش گروه‌های مرجع در تحولات سیاسی-اجتماعی جمهوری اسلامی ایران

## ۱-۳- هدف تحقیق:

هدف شناسائی رابطه ساخت قدرت سیاسی ج.ا.ا و روشنفکردینی در مواجهه با مسائل اجتماعی - سیاسی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران  
یافتن هنجارهای مرسوم و قواعدی که روشنفکران و ساخت قدرت براساس آنها در کنش‌های اجتماعی - سیاسی تصرف می‌کنند  
شناسائی نقاط ضعف و قوت روشنفکردینی و ساخت قدرت در مسائل اجتماعی - سیاسی جمهوری اسلامی ایران

## ۱-۴- سوالات اصلی و فرعی

الف) سوال اصلی:

چرا گفتمان‌های مسلط روشنفکری دینی در ایران (۶۷-۸۴) از وضعیت ارگانیک (سازمانی) به غیرارگانیک (غیرسازمانی) تغییر موضع داده‌اند؟

ب) سوالات فرعی این رساله نیز عبارتند از:

۱- صورت بندی گفتمان‌های روشنفکری دینی ارگانیک و غیرارگانیک در دوره جمهوری اسلامی ایران دارای چه وضعیتی است؟

۲- زمینه‌ها و عمل‌های سیاسی و فرهنگی روشنفکری دینی در زمان ارگانیک و غیرارگانیک بودن چه واکنشی در قدرت سیاسی ج.ا.ا ایجاد کرده است؟

## ۱-۵- فرضیه پژوهش

نقد فرهنگی - اجتماعی ساختار قدرت ج.ا.ا از سوی روشنفکر دینی باعث واکنش سیاسی - اجتماعی ساختار قدرت ج.ا.ا به آن و در نتیجه روشنفکر دینی را به بازتولید واکنش جدید سوق داده است.

## ۱-۶- مفاهیم و واژگان پژوهش:

- زمینه عملی ( Practical context ) زمینه عملی ، فعالیت سیاسی یا خصیصه های مربوطه ساختار قدرت ج.ا.ا، است که روشنفکر دینی آن را مخاطب قرار می دهد و متن پاسخی به آن است

- روشنفکری

در این رساله از ایده آنتونی گرامشی که مفهوم وسیع از روشنفکری را تلقی می کند پیروی می کنیم. او در معنای وسیع خود برای جلوگیری از داخل شدن به بی حد و حصر مصادیق روشنفکری از واژه کارکرد آنان استفاده می کند. در مجموع روشنفکری مقوله ای است از جنس کار فکری که پروژه عقلانی کردن ساحت های زندگی را از طریق انتقاد و آینده نگری دنبال می کند.

- روشنفکری دینی

مقوله ای است از جنس کار فکری که پروژه عقلانی کردن نصوص دینی و ساحت های زندگی را از طریق انتقاد و آینده نگری دنبال می کند و در یک فعالیت فکری تلاش می کند در وضعیت مدرن همچنان دین را در صحنه نگاه دارد و به بیانی رساتر تلاش می کند رابطه و نسبت بین دین و دنیای معاصر را تبیین کند

- روشنفکری ارگانیک

این واژه از گرامشی اقتباس شده است و منظور از آن روشنفکری است که حامی نظام سیاسی خود است.

- روشنفکری غیر ارگانیک

این واژه از گرامشی اقتباس شده است و منظور از آن روشنفکری است که حمایت و همکاری خود را با نظام سیاسی قطع کرده است.